

دیپلماسی فناوری جمهوری اسلامی ایران (با تأکید بر فناوری‌های دفاعی - امنیتی)

نوذر شفیعی^۱ - اصغر شکری مقدم^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۴/۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۶/۸

چکیده

در دنیای امروز یکی از عناصر اصلی تشکیل دهنده ی قدرت، اعم از قدرت سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و اطلاعاتی، مسأله ی فناوری‌های برتر است که به مولد قدرت تبدیل شده است. تغییر عرصه ی سیاست بین‌الملل در نتیجه ی توسعه ی فناوری‌های پیشرفته، اشکال، ابعاد، دامنه و مکانیسم‌های اعمال قدرت را متنوع و پیچیده کرده است. به تبع پیشرفت فناوری برای کشورها مسائل جدیدی در روابط بین‌الملل به وجود آمد که یکی از آن‌ها دیپلماسی فناوری است. با توجه به تحریم‌های تکنولوژیک غرب علیه جمهوری اسلامی ایران این پژوهش در پی پاسخ گویی به این پرسش است که دیپلماسی فناوری جمهوری اسلامی ایران چگونه می‌تواند نیازهای دفاعی - امنیتی کشور را تأمین کند؟ به نظر می‌رسد که دست یابی ایران به فناوری‌های مرتبط با نیازهای دفاعی - امنیتی،

۱. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان shafiee2@hotmail.com

۲. کارشناس ارشد روابط بین‌الملل asgharshokri2020@gmail.com

مستلزم شناخت دقیق محدودیت‌های بین‌المللی بر سر راه تأمین فنی ایران و تنظیم راهکارهای مبتنی بر بهبود نهادی، فنی و حرفه‌ای دیپلماسی فناوری برای دور زدن تحریم‌ها و محدودیت‌های حقوقی و سیاسی به ویژه با تکیه بر رهیافت منطقه‌گرایی و سیاست تنش‌زدایی است. پژوهش حاضر روش مطالعه‌ی خود را توصیفی و تحلیل ثانویه و مبنای نظری را منطقه‌گرایی قرار داده است.

واژگان کلیدی: تنش‌زدایی، جمهوری اسلامی ایران، دیپلماسی، دیپلماسی فناوری، منطقه‌گرایی.

مقدمه

رشد فناوری و تکنولوژی در سده‌های اخیر موجب تأثیرگذاری عمیق بر بسیاری از لایه‌های زندگی انسانی در ابعاد فردی و جمعی شده است. در دنیای امروز یکی از عناصر اصلی تشکیل دهنده‌ی قدرت، اعم از قدرت سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و اطلاعاتی، مسأله‌ی فناوری‌های برتر^۱ است که به مولد قدرت تبدیل شده است. تصور موفقیت و پیشرفت در ابعاد گوناگون زندگی بشری بدون فناوری امکان‌پذیر نیست. تغییر عرصه‌ی سیاست بین‌الملل در نتیجه‌ی توسعه‌ی فناوری‌های پیشرفته، اشکال، ابعاد، دامنه و مکانیسم‌های اعمال قدرت را متنوع و پیچیده کرده است. قدرت بر مبنای عوامل غیرمادی، هنجارها، گفتمان‌ها، دانش و اطلاعات را تحت تأثیر قرار می‌دهد (قاضی زاده، ۱۳۹۰: ۱۴۴). به تبع پیشرفت فناوری برای کشورها مسائل جدیدی در روابط بین‌الملل به وجود آمد که یکی از آن‌ها دیپلماسی فناوری است. دیپلماسی فناوری در سیاست خارجی و همکاری‌های بین‌المللی به منظور فعالیت‌هایی چون توسعه‌ی بومی علم و فناوری، انتقال فناوری، تجاری‌سازی محصولات فناورانه به کار گرفته می‌شود. استفاده از تعامل و مناسبات بین‌المللی در سطح دولتی و فراملی، ابزاری لازم (در کنار سایر منابع قدرت ملی)

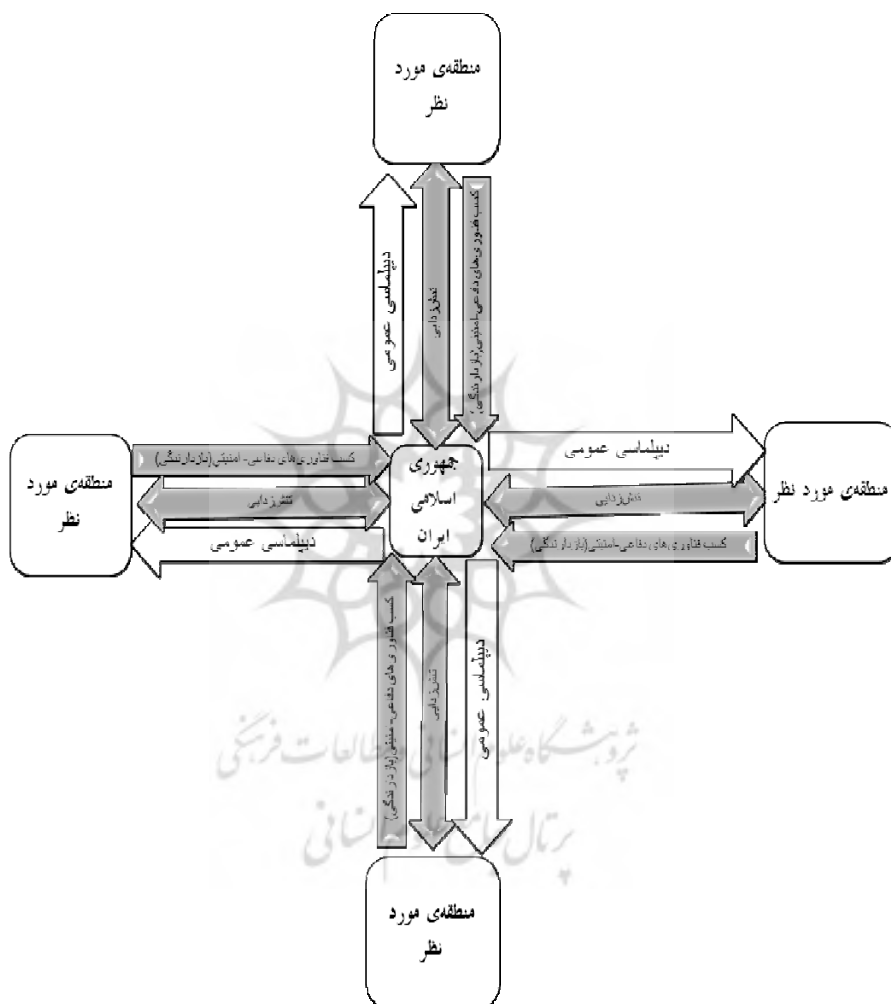
برای صیانت از یکپارچگی سرزمینی و استقلال سیاسی کشورها است. بر این اساس، در کنار دیپلماسی عمومی و سیاسی به معنای توانمندسازی و نظام‌مندسازی تعاملات بین‌الدولی و ابزار پرهیز از تنش، «دیپلماسی دفاعی-امنیتی» به عنوان مجرای طراحی اولویت‌های تأمین دفاع ملی در تنظیم سطح و عمق روابط خارجی، پدیدار شده و از سال‌های پایانی سده بیستم تاکنون در کارویژه‌های وزارت دفاع بیشتر دولت‌ها گنجانده شده است و مبنای آن اجرا می‌شود. در صحنه بین‌المللی پس از جنگ سرد، دیگر «ما»ی غربی در برابر «دیگر»ی غیر غربی، بازی نمی‌کند (ساعد، ۱۳۸۹: ۱۰۹) بلکه دیپلماسی‌های چند بعدی است که با تکیه بر ابزارهای دیپلماسی عمومی، فرهنگی و دفاعی و با بهره‌گیری از ظرفیت دیپلماسی، گفتگو، تعامل و همه ابزارهای غیرقهری برای پیش برد هدف‌ها و کارویژه‌های دفاعی-امنیتی نقش بازی می‌کنند که در آن حداکثر بهره‌گیری از ابزارهای غیرنظامی برای کسب بالاترین هدف‌های دفاعی و در نهایت هدف‌های ملی مد نظر قرار می‌گیرد. دیپلماسی فناوری‌های دفاعی-امنیتی بخشی از دیپلماسی دفاعی است و دیپلماسی دفاعی بخشی از قدرت ملی است که در کنار سیاست خارجی، منابع اعمال قدرت برای بالا بردن ظرفیت اقدام یک کشور در روابط خارجی دو یا چند جانبه را تشکیل می‌دهد. از این رو این نهاد هم ناظر به کاربست «سیاست دفاعی» در عرصه دیپلماسی و هم متضمن سهم شدن دیپلماسی در حوزه سیاست دفاعی است. بدین سان، دیپلماسی دفاعی در رهیافت ایرانی، پایان دادن به همه ی ابعاد استعمار و تحکیم برآیندهای تحول در روابط بین‌المللی است که در آن، همه دولت‌ها و ملت‌ها نیازمند امنیت هستند و باید در طراحی الگوی امنیت همگانی و نگهداری از آن نقش داشته باشند. در این میان، دیپلماسی دفاعی دوجانبه و چند جانبه ی محدود که از طریق بستن موافقت‌نامه‌های همکاری و شکل‌گیری سازمان‌ها و ترتیبات منطقه‌ای ترسیم می‌شود، شالوده‌های امنیت و دفاع مشترک هستند.

دیپلماسی فناوری جمهوری اسلامی ایران در فضای تحریم‌های فزاینده پیچیدگی‌هایی یافته است که یکی از حالت‌های آن، توجه و بهره‌گیری از تجارب دیپلماسی‌های پیچیده فناوری دنیا است. در این رویکرد لازم است دیپلماسی فناوری کشورهای با رقابت بالای اقتصادی مانند چین، کشورهای دارای محدودیت‌های زیاد مانند هند، کشورهای دارای پویای رقابت‌های رقیب مانند کره جنوبی، کشورهای دارای نظام قوانین و رفتار متفاوت مانند ژاپن، کشورهای پیشرفته با مدل توسعه‌ی معمول در اروپا، کشورهای نجات‌یافته از ورشکستگی‌های بزرگ مانند برزیل، کشورهای دارای ورود و خروج سرمایه‌های مالی و انسانی زیاد مانند آمریکا و کشورهای دارای نظام‌های علمی-فناوری رو به توسعه‌ی هم‌سان با ایران مانند ترکیه، مصر، سودان و تونس مورد مطالعه و الگوبرداری قرار گیرد ولی از آنجا که فضای تحریم علیه ایران آن‌چنان حاد است که بسیاری حتی در غرب و سازمان‌های بین‌المللی بر شدت این تحریم‌ها اعتراض کرده‌اند، لازم است جمهوری اسلامی ایران راهکارهای خلاقانه‌ای در عرصه‌ی دیپلماسی در پیش بگیرد و یا ترکیب و تلفیق بومی از دیپلماسی‌های بالا به عمل آورد که روش‌های کاربردی را برای فضای کنونی جمهوری اسلامی ایران تعریف کند. ایران به سبب ویژگی‌های ممتاز و تقریباً بدون رقیبی که دارد از جمله: ساختار مردم‌سالاری، مشروعیت سیاسی، مشارکت جمعی، جمعیت جوان و متخصص، موقعیت ممتاز ژئوپلیتیکی-ژئواستراتژیکی و زمینه‌های گسترده توانایی‌های اقتصادی می‌تواند در روند تحولات خاورمیانه نقش موثر و سازنده اما متفاوت ایفا کند. در مجموع از نه فاکتور قدرت ملی شامل اقتصاد، سیاست، اجتماع، فرهنگ، دانش، فناوری، نیروی نظامی، سیاست بین‌الملل، فناوری‌های فضایی، جغرافیا و سرزمین؛ جمهوری اسلامی ایران در میان کشورهای مطرح آسیایی عموماً رتبه‌های دو تا پنج را دارد (زرقانی، ۱۳۹۱: ۲۰). این زمینه در صورتی که مؤلفه‌های توسعه‌ی پایدار و الگوی پیشرفت اسلامی-ایرانی در آن لحاظ شود، خواهد توانست آینده را برای ما پیش رو

ترسیم کند. حال این پرسش مطرح می‌شود که دیپلماسی فناوری جمهوری اسلامی ایران چگونه می‌تواند نیازهای دفاعی - امنیتی کشور را تأمین کند؟ در پاسخ این پرسش به نظر می‌رسد که دست یابی ایران به فناوری‌های مرتبط با نیازهای دفاعی - امنیتی، مستلزم شناخت دقیق محدودیت‌های بین‌المللی بر سر راه تأمین فنی ایران و تنظیم راهکارهای مبتنی بر بهبود نهادی، فنی و حرفه‌ای دیپلماسی فناوری برای دور زدن تحریم‌ها و محدودیت‌های حقوقی و سیاسی به ویژه با تکیه بر رهیافت منطقه‌گرایی و سیاست تنش‌زدایی است. بررسی این موضوع از آن نظر اهمیت دارد که درباره‌ی ابعاد دیپلماسی فناوری با رویکرد امنیتی - دفاعی پژوهش‌های جامعی وجود ندارد.

روش مطالعه در پژوهش حاضر، توصیفی و تحلیلی ثانویه است. در این روش، از نتایج گزارش‌هایی که درباره دیپلماسی فناوری در دسترس است - اعم از پژوهش‌های تحلیلی یا راهبردی - استفاده می‌شود و سپس داده‌های به دست آمده از بررسی توصیفی و اسنادی، مورد تحلیل قرار می‌گیرند.

این پژوهش منطقه‌گرایی را مبنای نظری خود قرار داده است و نظریه‌هایی که دیپلماسی فناوری جمهوری اسلامی ایران (با تأکید بر فناوری‌های دفاعی - امنیتی) را تحلیل و ترسیم می‌کنند، بر اساس این بزرگ - نظریه چیدمان شده‌اند. دیپلماسی فناوری‌های دفاعی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر نظریه‌های منطقه‌گرایی، تنش‌زدایی، دیپلماسی عمومی و بازدارندگی است. به طور خلاصه سیاست خارجی با درپیش گرفتن سیاست «منطقه‌گرایی» از طریق «دیپلماسی عمومی» و «تنش‌زدایی»، «فناوری‌های دفاعی - امنیتی» را کسب می‌کند. این فناوری‌های دفاعی - امنیتی برای کشور ایجاد «بازدارندگی» می‌کنند. نمودار زیر رابطه‌ی بین این نظریه‌ها را نشان می‌دهد.



نمودار شماره (۱): دیپلماسی فناوری دفاعی- امنیتی جمهوری اسلامی ایران.

دیپلماسی فناوری

از دیپلماسی تعریف های گوناگونی شده است. در یک تعریف بسیط، دیپلماسی؛ هنر برقراری و تقویت روابط دوجانبه و چند جانبه با هدف تأمین منافع ملی است (داداندیش و احدی، ۱۳۹۰: ۱۴۷). دیپلماسی با پسوندهای دیگری مورد استفاده قرار می گیرد که هر کدام نشان گر روی کردهای خاصی هستند. مانند دیپلماسی سنتی، دیپلماسی عمومی، دیپلماسی دوجانبه، دیپلماسی چندجانبه، دیپلماسی رسانه‌ای، دیپلماسی دفاعی، دیپلماسی فرهنگی، دیپلماسی اقتصادی، دیپلماسی فناوری و ...

برای فناوری نیز تعاریف فراوانی شده است. مطابق با فهم سنتی، فناوری توضیح دهنده‌ی یک سیستم دانش عملی است که اساساً نشأت گرفته از دانش علوم طبیعی^۱ است. در بسیاری موارد به چنین سیستمی فناوری سخت^۲ می‌گویند که منظور از آن مهارت‌ها، ابزارها و قواعدی است که توسط انسان برای تغییر، تطبیق و مدیریت طبیعت جهت بقا و توسعه انسانی به کار گرفته می‌شود. سیستم‌های دانش عملی که برگرفته از علوم اجتماعی، علوم غیرطبیعی و دانش غیرعلمی (سنتی) بوده و معطوف به حل مشکلات کاربردی است نیز در طبقه بندی فناوری‌ها جای می‌گیرند. این نوع از فناوری، فناوری نرم^۳ نامیده می‌شود. فناوری نرم با کاربرد آگاهانه قوانین یا تجربه‌های عمومی در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و بشردوستانه به انجام می‌رسد. این گونه از فناوری‌ها سپس به قواعد، مکانیسم‌ها، ابزارها، نهادها، روش‌ها و رویه‌هایی که به بهبود، تطبیق یا کنترل دنیای ذهن و عین کمک می‌کنند شکل می‌دهد (امیری، ۱۳۸۵: ۱۱). به طور کلی فناوری عبارت است از کلیه‌ی دانش‌ها، فرایندها، ابزارها، روش‌ها و سیستم‌های به کار رفته در ساخت محصولات و ارائه‌ی خدمات. به بیانی ساده‌تر، فناوری روش انجام کار و ابزاری است که توسط آن به

1 . Natural Science
2 . Hard Technology
3 . Soft Technology

اهداف خود نایل می‌شویم. فناوری، کاربرد عملی دانش و ابزاری جهت کمک به تلاش انسان است (یادبروقی و دیگران، ۱۳۸۷: ۷).

بدون وارد شدن در جدل‌های معناشناسانه، باید بگوییم که منظور ما از فناوری، معنای عام آن است. یعنی هم محصولات نهایی که به صورت تسلیحات و تجهیزات جلوه‌گر می‌شود، هم ابزارها و لوازم تهیه‌ی این محصولات و هم دانش فنی لازم برای ابزار و محصول (حسینی، ۱۳۷۶: ۷۵). منظور از فناوری دفاعی-امنیتی عبارت است از فناوری‌هایی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم موجب تحقق اهداف دفاعی کشور می‌شوند. در دیپلماسی فناوری می‌توان دو روی کرد را استخراج نمود: روی کرد اول، استفاده از فناوری برای اهداف دیپلماتیک است، یعنی فناوری ابزاری برای دیپلماسی می‌شود؛ روی کرد دوم، دیپلماسی برای فناوری است، یعنی دیپلماسی ابزاری می‌شود برای کسب فناوری.

۱. فناوری؛ ابزار دیپلماسی

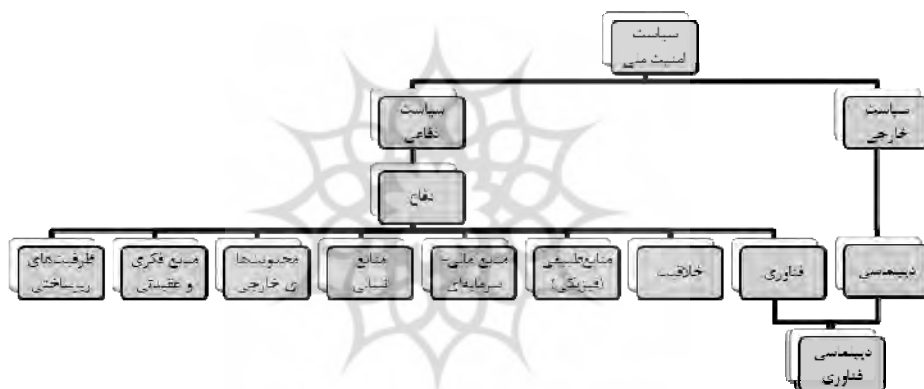
در روابط دیپلماتیک ضمانت اجرایی وجود ندارد. لذا برای پایدار ماندن روابط ناگزیر باید از اهرم‌ها استفاده نمود. هرچه اهرم مورد استفاده از ظرفیت بیشتری برخوردار باشد، روابط ایجاد شده پایدارتر خواهند بود. تمام تعاملات فناوری به طور بالقوه می‌توانند در راستای دیپلماسی علم و فناوری قرار گیرند و نباید آن‌ها را از چشم دور داشت. حوزه‌هایی از فناوری وجود دارد که به طور سنتی در این قسمت قرار دارند، فناوری‌هایی که ارتباط مستقیم با افزایش توان نظامی یک کشور دارند، مانند فناوری هسته‌ای، فناوری هوا و فضا و فناوری‌های نظامی اما با توسعه‌ی کاربرد فناوری در حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی و نیز حیاتی شدن اقتصاد برای کشورهای مختلف به خصوص کشورهای در حال توسعه، حوزه‌های دیگر فناوری نیز می‌توانند در پیشبرد سیاست خارجی یک کشور موثر باشند. در این میان نیازهای فناوری کشور مقابل تعیین‌کننده است. به عنوان مثال برای یک کشور

نفت خیز مانند ایران، داشتن فناوری‌های روز دنیا در زمینه‌ی اکتشاف و استخراج نفت، بسیار دارای اهمیت است. بنابراین مشاهده می‌کنیم که همین دسته از فناوری‌ها قسمت مهمی از تحریم‌ها را شامل می‌شود. در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان چهار قسم از پدیده‌هایی که حاصل خدمت‌رسانی علم و فناوری به دیپلماسی است، شناسایی کرد که عبارتند از: فناوری به عنوان اهرم تشویقی، فناوری به عنوان به عنوان اهرم تنبیهی، فناوری جهت بهبود روابط با دیگر کشورها و ایجاد وابستگی از طریق فناوری (شبکه تحلیل‌گران تکنولوژی ایران، ۱۳۹۰: ۵۳).

۲. دیپلماسی؛ ابزار کسب فناوری

استفاده از ظرفیت دیپلماتیک برای توسعه‌ی علم و فناوری داخل کشور یا به عبارت دیگر حمایت دیپلماتیک از تعاملات خارجی و بین‌المللی علم و فناوری، هسته‌ی اصلی این رویکرد است. هر کشوری به‌طور طبیعی روابط سیاسی با کشورهای مختلف دارد. اگر کشوری بتواند از این ظرفیت در خدمت حوزه‌ی علم و فناوری استفاده کند، موفق خواهد بود. آن‌چه که هند در مقام‌گیرنده‌ی فناوری در تعامل با آمریکا انجام می‌دهد، در همین راستاست. هند توانسته با استفاده از ظرفیت روابط سیاسی خود با آمریکا، مجوز ورود فناوری‌هایی که در گذشته برای این کشور ممنوع بوده است را کسب کند. می‌توان پدیده‌های ذیل این رویکرد را در سه دسته جای داد. این سه دسته عبارتند از: بازاریابی، تأمین نیازمندی‌های علمی و فناوری و حمایت در رقابت‌های بین‌المللی (شبکه تحلیل‌گران تکنولوژی ایران، ۱۳۹۰: ۵۹). در این پژوهش رویکرد دوم مورد نظر است؛ یعنی دیپلماسی ابزاری می‌شود برای کسب فناوری‌های دفاعی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران. به‌طور کلی دیپلماسی فناوری که بخشی از دیپلماسی دفاعی است، پیوندی است میان سیاست دفاعی و سیاست خارجی. سیاست دفاعی هر کشوری مبتنی بر مؤلفه‌ها و

شاخص‌های متنوع و متعددی مانند ظرفیت‌های زیر ساختی، منابع فکری و عقیدتی، محدودیت‌های خارجی، منابع انسانی، منابع مالی و سرمایه‌ای، منابع طبیعی، خلاقیت، فناوری و مانند این‌ها است. از طرف دیگر سیاست خارجی نیز دارای راهکارهای متنوعی برای رسیدن به اهداف کلان دفاعی در محیط آنارشیک بین‌المللی است که یکی از این راهکارها دیپلماسی است. نمودار زیر پیوند ظرفیت‌های دفاعی و سیاسی در تولید دیپلماسی فناوری جهت امنیت ملی را نمایش می‌دهد.



نمودار شماره (۲): پیوند ظرفیت‌های دفاعی و سیاسی در تولید دیپلماسی فناوری جهت امنیت ملی.

فناوری‌های دفاعی - امنیتی

فناوری‌ها به لحاظ نگرش دارای تقسیم‌بندی‌های متفاوتی به شرح زیر است:

- براساس جنس فناوری؛
- بر اساس پیچیدگی و سرعت تغییر؛
- براساس تناسب با شرایط؛
- براساس اهمیت؛

- براساس سطح کاربرد؛
- براساس عمر؛
- براساس نحوه‌ی بروز.

اما هیچ‌کدام از این طبقه‌بندی‌ها، به طور کامل به کاربرد فناوری‌ها در حوزه‌ی دفاعی - امنیتی اشاره‌ای نمی‌کنند. در طبقه‌بندی فناوری‌ها آن‌چه که باید مورد توجه قرار گیرد، طبقه‌بندی آن براساس کاربرد آن‌ها در حوزه‌ی دفاعی - امنیتی است. براین اساس فناوری‌ها را به صورت زیر طبقه‌بندی می‌شود:

۱- فناوری‌های دفاعی - امنیتی

فناوری دفاعی - امنیتی عبارت است از فناوری‌هایی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم موجب تحقق اهداف دفاعی کشور می‌شوند.

۲- فناوری‌های اقتصادی - تجاری

به فناوری‌هایی که فقط در جهت اهداف اقتصادی مورد استفاده قرار می‌گیرند، فناوری‌های اقتصادی - تجاری می‌گویند.

۳- فناوری‌های دو منظوره

یکی از ویژگی‌های فناوری علمی، خصیصه‌ی «دو منظورگی»^۱ است. این مفهوم بر تأثیرگذاری هم زمان فناوری بر دو حوزه‌ی «بنیه‌ی دفاعی» و «رشد اقتصادی» جامعه تصریح دارد (ملکی فر، ۱۳۸۲: ۳۴). در این خصوص برخی از تحلیل‌گران چون بال^۲، مدعی‌اند که سرمایه‌گذاری در حوزه‌ی فناوری‌های دو منظوره که طیف وسیعی از اقلام دفاعی غیررزمی و فناوری‌های تولید دفاعی را شامل می‌شود، زمینه‌های تقویت هر دو

1 . Dual-Use
2 . Nicole Ball

بخش را فراهم آورده و هم پوشی حاصل از آن، حداقل از سه جنبه قابل توجه است: اول، بسیاری از تجهیزات غیررزمی نظامی (به‌ویژه تجهیزات حمل و نقل، مهندسی- رزمی و حتی مخابراتی) که بخش عظیمی از تجهیزات نظامی را حداقل از نظر مقدار و حجم تشکیل می‌دهند، مصرف غیرنظامی دارند؛ دوم، به دلیل پیشرفت‌هایی که صنایع غیرنظامی در حوزه‌هایی چون کامپیوتر و مخابرات داشته‌اند، امروزه بسیاری از قطعات مورد استفاده در تجهیزات نظامی، در ساخت وسایل غیرنظامی نیز به کار می‌رود. بنابراین با سرمایه‌گذاری در این گونه صنایع غیرنظامی، عملاً بخشی از نیازمندی‌های عرصه‌ی تولیدات دفاعی نیز تأمین شده است؛ و در نهایت، برخی از فرآیندهای تولید مورد نیاز برای اقلام دفاعی را می‌توان با صنایع غیرنظامی انجام داد و برعکس البته در این زمینه تأکید شده است که کارآمدی تدابیر پیش گفته منوط به تدوین «استراتژی جامع صنعتی» برای کشورهای جهان سومی است، مناطقی که می‌توانند در سایه‌ی حداکثر سرمایه‌گذاری در موارد مشترک و پرهیز از دوباره‌کاری، به بالاترین دستاوردهای مورد نظر دست یابند (گاردن، ۱۳۷۹: ۵۹).

همان‌طوری که در بالا اشاره شد، فناوری دفاعی- امنیتی عبارت است از فناوری‌هایی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم موجب تحقق اهداف دفاعی کشور می‌شوند. بر این اساس می‌توان گفت، فناوری‌های دفاعی یعنی تقویت توانمندی‌های موجود و نیز ایجاد نظام‌های جدید که برای ایجاد محصولات و خدمات و یا برای تقلید یا بهبود آن‌ها در جهت تحقق اهداف دفاعی- امنیتی انجام می‌شود (یادبروقی و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۷-۱۸) در یک تقسیم‌بندی کلی فناوری‌های دفاعی- امنیتی را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد. این دو گروه عبارتند از:

- فناوری‌های دفاعی - امنیتی مستقیم یا بدون واسطه: فناوری‌هایی که به صورت مستقیم مورد استفاده‌ی نیروها و سازمان‌های دفاعی قرار می‌گیرند. این نوع فناوری‌ها به صورت مستقیم و بدون واسطه بر امنیت کشورها تأثیر دارند؛ مانند انواع جنگ‌افزارها؛
- فناوری‌های دفاعی - امنیتی غیرمستقیم یا با واسطه: این نوع فناوری‌هایی‌ها، فناوری‌هایی هستند که کاربرد اصلی آن‌ها غیرنظامی است ولی می‌توان از آن‌ها برای اهداف دفاعی - امنیتی استفاده کرد. هم‌چنین این دسته از فناوری‌ها از طریق متغیرهای واسطه بر امنیت و دفاع تأثیر گذار هستند؛ مانند صنایع فرهنگی. صنایع فرهنگی که شامل انواع رسانه‌ها می‌شوند، می‌تواند به واسطه‌ی تأثیرات فراوان و غیرقابل انکاری که بر «فرهنگ راهبردی» تمام افراد جامعه و به تبع آن نیروهای دفاعی - امنیتی کشور می‌گذارند، در مسائل دفاعی - امنیتی دخیل باشند.

جایگاه فناوری‌های دفاعی - امنیتی در قدرت ملی

قدرت ملی به مجموعه توانایی‌های مادی و معنوی که در قلمرو یک واحد جغرافیایی و سیاسی به نام کشور یا دولت وجود دارد، اطلاق می‌شود (کاظمی، ۱۳۷۳: ۱۷۰). قدرت ملی دارای ابعاد گوناگونی است که این ابعاد عبارتند از: بعد سیاسی، بعد اقتصادی، بعد علمی، بعد نظامی، بعد فرهنگی، بعد فرامرزی، بعد اجتماعی، بعد سرزمینی و بعد فضایی (حافظنیا و زرقانی، ۱۳۸۶).

یکی از مهم‌ترین ابعاد قدرت ملی کشورها بعد نظامی آن است، به عبارتی قدرت نظامی یکی از نشانه‌های آشکار قدرت و شاید آشکارترین آن‌ها به شمار می‌رود (ازغندی و روشندل، ۱۳۸۰: ۹۹). به اعتقاد بسیاری از کارشناسان معیار نهایی قدرت ملی، توانمندی نظامی است؛ زیرا کشورها در محیطی به سر می‌برند که در آن امنیت آن‌ها مورد تهدیدهای داخلی و خارجی فراوان و همیشگی قرار دارد، از این رو مؤثر بودن سلاح‌های قهریه‌ی

آن‌ها، مقیاس نهایی قدرت کشورها به شمار می‌رود. قدرت نظامی مؤثر که نتیجه‌ی تسلط بر فرایندهای اقتصادی است و یا پس از آن می‌آید، برای برتری و سیطره بسیار مهم است؛ زیرا در قلمرو پرهرج و مرج سیاست بین‌المللی، نیروی نظامی داور نهایی اختلافات است. کشوری که مؤثرترین وسایل نظامی را دارد می‌تواند عملکرد نظام بین‌المللی را به نفع خود شکل دهد؛ یعنی می‌تواند «قواعد بازی» را تعریف و اعمال کند. در حالی که بدون شک، ریشه‌ی قدرت ملی در توانایی کشورها به مسلط شدن بر بخش‌های مهم اقتصادی جهانی قرار دارد ولی توانمندی نظامی، هم‌چنان مهم‌ترین تجلی قدرت باقی خواهد ماند (زرقانی، ۱۳۸۷: ۷۹).

تجربه‌ی جهان امروز نیز نشان می‌دهد که بین توانمندی‌های دانشی و فناورانه و برتری‌های نظامی کشورها، رابطه‌ی تنگاتنگی وجود دارد (توفیقی، ۱۳۹۱: ۲). یکی از مهم‌ترین شاخص‌های قدرت نظامی، تجهیزات، تسلیحات و فناوری‌های نظامی است. در طول تاریخ نظامیان همیشه از تجهیزات برای جنگ‌ها استفاده می‌کردند. بعد از انقلاب‌های صنعتی و فناوری وابستگی ارتش‌ها به فناوری‌های نوین چندین برابر شد تا جایی که انقلاب فناوری نظامی موجب انقلاب در راهبردهای نظامی می‌شود.

پیشرفت در فناوری‌ها فرصت‌های مهمی را هم در زمینه‌ی اصلاح قابلیت‌ها برای فرماندهی و کنترل و هم در زمینه‌ی افزودن بر قابلیت نیروها فراهم می‌کند (امیری، ۱۳۸۵: ۱۹). ابزارهای مدرن جنگ‌های امروزی به کمک فناوری به دست آمده است و این مسأله، فناوری را به عنوان موضوع مهمی در مطالعات دفاعی - امنیتی مطرح ساخته است. روی آوردن به بهره‌برداری از برتری‌های فناورانه در سطوح متفاوت سامانه‌های نظامی، نوعی توانمندی غیرقابل انکار را در اختیار کشورها و ارتش‌های برتر قرار می‌دهند. این وضعیت موجب می‌شود که جنگ فناورانه برنده‌ای از پیش تعیین شده داشته باشد (کلهر، ۱۳۸۳: ۱۲۴).

فناوری و جنگ

نبردهایی که پس از جنگ سرد انجام گرفت، به خصوص عملیات‌های نظامی به وقوع پیوسته در عراق و افغانستان بیانگر برتری واضح فناوری بر رقبا است. به عبارت دیگر این فناوری بوده که بر رقبا پیروز شده است. موفقیت فناوری با سازوکارهای جنگی متفاوت، انقلاب در امور نظامی را املاء کرده است. خصوصیات کلیدی تحول در امور نظامی، شبکه‌های رایانه‌ای اطلاعات محوری هستند که برتری اطلاعاتی را به ارمغان می‌آورند. این برتری اطلاعاتی بر حمله‌ی حساب شده، مانور مسلط، جنگ اطلاعاتی و استفاده از فضا برای اهداف تأکید می‌کند (له‌له، ۱۳۹۱: ۷-۱۱).

با این که کاربرد صریح فناوری‌های نوظهور در بخش نظامی دشوار است، تجزیه و تحلیل گسترده‌ی انواع اثراتی که می‌توانند به دنبال داشته باشند، توسعه‌ی پارادایم‌های نبرد آینده را پشتیبانی می‌کند. از جمله جنگ‌های ویژه^۱، جنگ‌های فضایی^۲، جنگ‌های رباتی^۳، جنگ نانو^۴، جنگ بدون خون‌ریزی^۵، جنگ مبتنی بر زیست‌فناوری^۶، جنگ سایبری^۷، جنگ‌های نامتقارن^۸ (دورتمانتز و کورتیس، ۱۳۸۷: ۶-۵)، جنگ‌های اطلاعات بنیان، که خود شامل مواردی به صورت زیر است: جنگ اطلاعاتی، جنگ اطلاعات استراتژیک، جنگ شبکه‌ای^۹، جنگ سایبر^{۱۰}، جنگ نرم (نورمحمدی، ۱۳۹۰: ۱۲۹-۱۴۹)، جنگ فناوری‌های نرم (داعا، ۱۳۸۸: ۲۷۱-۲۷۳)، جاسوسی رایانه‌ای (نورمحمدی، ۱۳۹۰: ۱۱۹۰).

-
1. Niche wars
 2. Space Wars
 3. Robot Wars
 4. Nano War
 5. Bloodless War
 6. Bio-technological War
 7. Cyber War
 8. Asymmetric Wars
 9. Net War
 10. Cyber War

جایگاه فناوری‌های دفاعی - امنیتی در اسناد بالادستی

به طور کلی در اسناد بالادستی تأکید زیادی بر فناوری و به تبع آن فناوری‌های دفاعی - امنیتی شده است. این اسناد با توجه به روندهای موجود در دنیا و نقش فناوری‌های نوین در پیشرفت و تعالی کشور، چه از نظر اقتصادی، علمی و تجاری و چه از نظر دفاعی - امنیتی، به طور صریح بر ایجاد، توسعه و کسب فناوری‌های نوین و نوظهور مورد نیاز کشور جمهوری اسلامی ایران تأکید کرده اند. سند چشم انداز، جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه‌ی آسیای جنوب غربی با تأکید بر جنبش نرم افزاری و تولید علم را برای جمهوری اسلامی ایران ترسیم می‌کند و نقشه‌ی جامع علمی کشور برخی از مهم‌ترین مصداق‌های فناوری‌ها از قبیل فناوری اطلاعات، فناوری زیستی، فناوری‌های نانو و میکرو، فناوری اعزام انسان به فضا و دانش طراحی، ساخت و پرتاب ماهواره به مدار زمین و دانش طراحی و ساخت نیروگاه‌های هسته‌ای را مورد تأکید قرار می‌دهد.

دیپلماسی فناوری‌های دفاعی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران

ائتلاف منطقه‌ای با کشورهای همسایه اصلی‌ترین راهکار مقابله با تحریم است. در همین حال، برای غرب نیز شکستن مرزهای همکاری و دوستی ایران با همسایگان، آخرین گام در کشاندن ایران به وضعیت جنگی و قفل کردن اقتصادی و روابط خارجی ایران از طریق تحریم‌های ناعادلانه بین‌المللی است. این تحریم‌ها هنوز وجه منطقه‌ای قدرتمندی ندارند چرا که کشورهای همسایه چندان قوی و به روز و برخوردار از فناوری‌های کنترل دولتی پیشرفته نیستند. نظام‌های سیاسی اجتماعی این کشورها پویا و جهانی نیستند و از این توان هم‌آوایی با تحریم‌های هوشمند را ندارند. مرزهای ایران باز و دارای سوراخ‌های کلیدی هستند و قاچاق گسترده‌ی کالا، خدمات و انسان در مرزهای منطقه‌ای، مانع از استقرار نظام هوشمند تحریم‌ها می‌شود. ایران در مرزهای خود با هریک از کشورها دارای مناسبات فرهنگی - تاریخی دیرینه‌ای است و این مناسبات به همراه هم‌پیوندی‌های اقتصادی

مرزنشینان مانع از آن می‌شود که نظام‌های تحریمی در آن‌جاها قابل پیاده شدن باشند. بنابراین ایجاد مناطق محوری اقتصادی در کشورهای همسایه یکی از اصلی‌ترین راهبردها است. حوزه‌های همکاری با کشورهای همسایه را باید چنین برشمرد:

۱- آسیای مرکزی: به ویژه همسایگان؛ ترکمنستان، تاجیکستان، ازبکستان، قرقیزستان و قزاقستان؛

۲- روسیه؛

۳- اروپای شرقی و کشورهای هم‌سود اروپایی؛

۴- قفقاز: آذربایجان، گرجستان، ارمنستان، قفقاز شمالی (به ویژه داغستان)؛

۵- ترکیه؛

۶- عراق؛

۷- سوریه؛

۸- کشورهای حوزه ی خلیج فارس؛

۹- افغانستان؛

۱۰- پاکستان (با کمک از: بوزان، ویور و دو ویلد، ۱۳۹۲: ۱۰۷-۱۱۹).

در فضای ملی و بین‌المللی، قدرت و جایگاه کشورها بر اساس معیارهایی تعریف می‌شوند که در زمان و مکان‌های گوناگون متغیرند و بر اساس امکانات و محدودیت‌های موجود تغییر می‌یابند. جایگاه سیاسی ایران در سطح تحلیل ملی بر اساس شاخص‌هایی چون: اقتصاد (میزان رشد، تولید ناخالص ملی، نرخ تورم، سرانه درآمد ملی...); رفاه اجتماعی (بیمه‌های اجتماعی، نرخ پس انداز، میزان شادی، رضایت از زندگی...); سیاست (نرخ مشارکت سیاسی، تعداد و نوع انتخابات، پاسخ‌گویی نهادهای دولتی...); اجتماعی (حوزه عمومی، افکار عمومی، سبک زندگی...) سنجیده می‌شود. در حوزه بین‌المللی نیز بر اساس شاخص‌هایی که برخاسته از دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی کلان و موردی

جمهوری اسلامی ایران است، جایگاه کشورمان قابل ارزیابی است. جایگاه سیاسی ایران را باید بر اساس مناطق مختلف شناخت زیرا هر منطقه ویژگی‌ها، امکانات و محدودیت‌های خود را برای حضور ایران دارد. جمهوری اسلامی ایران با کشورها و مناطق گوناگون بر اساس دسته بندی سلسله مراتبی زیر دارای رابطه است:

- ۱- کشورهای اسلامی و ملت‌های ضد استعماری (حتی غیر مسلمان)؛
- ۲- کشورهای در حال توسعه که با جمهوری اسلامی ایران دارای منافع مشترک اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، راهبردی هستند؛
- ۳- قدرت‌های بزرگ که ناگزیر از تعامل با آن‌ها در نظام بین‌الملل هستیم.
بر اساس دسته بندی بالا، مناطق اعمال سیاست خارجی ایران عبارتند از:

۱- کشورهای در حال توسعه

بیشترین همکاری بین‌المللی ایران با این کشورها است که بر اساس سنجه‌های سیاست گذاری ایران و با توجه به اولویت‌های دراز مدت و کوتاه مدت منافع ملی جمهوری اسلامی ایران به چند دسته تقسیم می‌شوند: یکی همسایگانی که جمهوری اسلامی ایران دارای منافع راهبردی و زمینه‌های فرهنگی با آن‌ها است. مهمترین آن‌ها عراق است. کشورهای دیگری چون لبنان نیز با وجود دوری از ایران دارای زمینه‌های مشترک راهبردی و فرهنگی با ایران هستند؛ دیگری همسایگان راهبردی هستند که جمهوری اسلامی ایران با آن‌ها دارای منافع مشترک اقتصادی است. مهمترین آن‌ها کشورهای حوزه ی خلیج فارس و به ویژه امارات متحده عربی است (هدایتی، ۱۳۹۰: ۵۶۳)؛ سوم، همسایگان و کشورهایی هستند که جمهوری اسلامی ایران دارای منافع متقاطع موردی (دراز مدت، میان مدت و کوتاه مدت) با آن‌ها است که باید به کشورهای شرقی ایران و دولت‌هایی چون سوریه اشاره کرد که راهبردهای امنیتی آنان را گاه دارای اهمیت زیادی

می‌کند؛ دسته چهارم دولت‌هایی هستند که در صدر اولویت‌های راهبردی - امنیتی و اقتصادی ایران قرار نمی‌گیرند ولی به دلایلی چون فرهنگ مشترک، برداشت دینی و آیینی هم‌سان، راهی برای گذار از اقتصاد بسته‌ی تحریمی و... اهمیت یافته‌اند. عمده‌ترین آن‌ها کشورهای آسیای مرکزی، قفقاز و اروپای شرقی هستند.

۲- قدرت‌های منطقه‌ای

در شرایط بین‌الملل کنونی، اصلی‌ترین مجرای چانه‌زنی جمهوری اسلامی ایران برای حفظ منافع خود قدرت‌های منطقه‌ای هستند که برجسته‌ترین آن‌ها هند، کشورهای آسیای شرق و جنوب شرق مانند کره جنوبی، سنگاپور و مالزی و کشورهایی نظیر ونزوئلا، مصر، و عربستان هستند.

۳- ابرقدرت‌های جهانی

ابرقدرت‌های جهانی هرچند مجرای اصلی حیات بین‌المللی هستند ولی سیاست‌گذاری خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس شعار «نه شرقی نه غربی» تدوین شده و استقلال از سیاست‌های کلان بین‌المللی اساس آن قرار گرفته است. بر این اساس کشورهای غربی، اروپا و آمریکا دارای نقش موازنه‌ای مثبت در جایگاه ملی و بین‌المللی ایران نبوده‌اند بلکه نقش آن‌ها موازنه منفی است. در حالی که این قدرت‌ها بیشترین فشار را به سیاست مستقل جمهوری اسلامی ایران وارد کرده‌اند، تغییر قدرت‌های اقتصادی و منطقه‌ای، فضایی برای تنفس ما فراهم آورده است. طبق پیش‌بینی تحلیل‌گران اقتصاد بین‌الملل طی پنجاه سال آینده، کشورهای برزیل، ترکیه، روسیه، هند و چین که به اختصار «BRICS» نامیده شده‌اند؛ می‌توانند به قدرت‌های بزرگ اقتصادی دنیا تبدیل شوند. تا سال ۲۰۲۵ م. اقتصاد آن‌ها معادل نصف اقتصاد شش کشور بزرگ صنعتی (G6) شامل آمریکا، انگلستان، فرانسه، آلمان، ژاپن و ایتالیا خواهد شد. برای نمونه، اقتصاد هند تا سال ۲۰۳۲ م. می‌تواند بزرگ‌تر از

اقتصاد ژاپن و اقتصاد چین تا سال ۲۰۴۱ م. بزرگ‌تر از اقتصاد ایالات متحده باشد در صورتی که در حال حاضر اقتصاد کشورهای «BRICs» فقط ۱۵ درصد اقتصاد شش کشور صنعتی را تشکیل می‌دهند. بیشترین نرخ رشد بین کشورهای «BRICs» متعلق به کشور هند است. بدین ترتیب ابرقدرت‌های بین‌المللی اندک‌اندک نفوذ خود را از دست می‌دهند و قدرت‌های شرقی و جنوبی (جهان جنوب یا نیم کره جنوبی) جای آن‌ها را می‌گیرند که این مسأله با سیاست عدم تعهد جمهوری اسلامی ایران هم‌راستا است.

قلمروهای ژئوپلیتیکی ایران بر اساس اسناد بالادستی

قلمروهای ژئوپلیتیکی ایران بر اساس اسناد بالادستی شامل موارد ذیل است:

۱- جهان اسلام و خاورمیانه: وسیع‌ترین کشورها: سودان، الجزایر، عربستان؛ پرجمعیت‌ترین: اندونزی، هند، بنگلادش؛ از نظر دانشگاهی: مصر و سیاسی-اقتصادی: ترکیه، مالزی؛

۲- قلمرو ایران فرهنگی و تمدنی: افغانستان، آسیای مرکزی و قفقاز، جنوب روسیه، آسیای غربی و جنوبی، جنوب شرق آفریقا؛

۳- قلمرو ژئوپلیتیکی شیعه (حافظ نیا و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۱۰-۱۱۶).

ژئوپلیتیک ایران دارای ماهیت انبساطی و عرصه‌ی عملکردی آن گستره‌ای جهانی در حد یک ابرقدرت چیره دارد. (همان: ۲۲۴)

ایران به سبب ویژگی‌های ممتاز و تقریباً بدون رقیبی که دارد از جمله ساختار مردم سالاری، مشروعیت سیاسی، مشارکت جمعی، جمعیت جوان و متخصص، موقعیت ممتاز ژئوپلیتیکی - ژئواستراتژیکی و زمینه‌های گسترده‌ی توانایی‌های اقتصادی، تکیه بر توان بومی نظامی و تلاش برای تولید فناوری‌های نظامی می‌تواند در روند تحولات خاورمیانه نقش موثر و سازنده اما متفاوت ایفا کند. در مجموع از نه فاکتور قدرت ملی شامل اقتصاد،

سیاست، اجتماع، فرهنگ، دانش، فناوری، نیروی نظامی، سیاست بین‌الملل، فناوری‌های فضایی، جغرافیا و سرزمین؛ جمهوری اسلامی ایران در میان کشورهای مطرح آسیایی عموماً رتبه‌های دو تا پنج را دارد. این زمینه در صورتی که مؤلفه‌های توسعه‌ی پایدار و الگوی پیشرفت اسلامی- ایرانی در آن لحاظ شود، خواهد توانست آینده پیش رو را ترسیم کند. نباید دیپلماسی فناوری جمهوری اسلامی ایران فقط به ده یا دوازده کشور با بالاترین رتبه در جهان معطوف گردد. زیرا لازم است با کلیه‌ی مناطق دنیا ارتباط قوی برقرار باشد و لویانکه مثلاً رتبه کشور استرالیا و برزیل پایین‌تر از کشورهای هم چون اتریش و ازبکستان باشد. بنابراین می‌بایست در مناطق مختلف جهان، شرکای تجاری برای کشور شناسایی کرد، به طوری که توزیع جغرافیایی شرکای تجاری، منطقی و تضمین‌کننده‌ی منافع ملی ایران باشد.

باید توجه داشت که برقراری ارتباطات قوی با کشورها و مناطق لزوماً بر پایه دارا بودن اشتراکات نیست بلکه بیش از آن، رابطه‌ی موفق در گرو برنامه دار و هدفمند بودن سیاست خارجی است. چه بسا کشورهایی که دارای اشتراک‌های زیادی با ایران هستند ولی به دلایلی چون ناتوانی اقتصادی، نظام سیاسی غیر مشارکتی، سیاست خارجی وابسته یا حیران، نظام اجتماعی فرهنگی غیر پیشرو، موقعیت جغرافیایی بحرانی یا تنش‌زا یا دور از ایران، امکان برقراری رابطه‌ی چندجانبه با آن‌ها برای جمهوری اسلامی ایران وجود ندارد. برای نمونه لبنان با وجودی که جمعیت شیعیان آن پرشمار و متنفذ هستند ولی بنا به مسائلی چون حکومت مسیحی مورد حمایت غرب، حضور شیعیان در مناطق روستایی و کم درآمد جنوب- که هم مرز رژیم صهیونیستی است- مقابله دولت‌های اسلامی با حزب الله و... برای جمهوری اسلامی ایران تنها امکان برقراری روابط در سطوح تعریف و تحدید شده وجود دارد. برعکس، ترکیه در حالی که دولتی است که ساختار عرفی دارد ولی به دلیل برنامه ریزی صحیح و اجرای سیاست تنش‌زدایی و سیاست خارجی ساختارگرای

هدفمند، روابط چند بعدی در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، منطقه‌ای و بین‌المللی و راهبردی با ایران دارد. همین روابط را می‌توان با کشورهای کم حاشیه و ثروتمندی مانند تونس تعریف کرد. سیاست خارجی موفق، یک پارچه، متمرکز، برنامه‌دار، دارای اهداف بلند مدت و مبتنی بر اسناد بالادستی این هدف را دنبال می‌کند.

همان‌گونه که در بند ۲۹ سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران تصریح شده، لازم است از ظرفیت‌های سیاسی برای توسعه روابط بین‌المللی اقتصادی بهره‌برداری شود. این موضوع ارتقاء دیپلماسی تجاری را می‌طلبد. روابط سیاسی و روابط اقتصادی تأثیری متقابل نسبت به یک دیگر دارند. به عبارتی می‌توان از ظرفیت‌های سیاسی برای توسعه روابط اقتصادی و متقابلاً از ظرفیت‌های اقتصادی برای توسعه روابط سیاسی استفاده کرد. فناوری‌های سیاسی - امنیتی در این قالب و در این بستر انضمامی، معامله و معاوضه می‌شوند.

دیپلماسی فناوری موفق، ضمن تعمیق دیپلماسی دفاعی - امنیتی در قبال روند افزایش ناشی از برنامه‌های تسلیحاتی غرب و بقای زرادخانه‌های کشتار جمعی آن‌ها، بر ارتقای بازدارندگی متعارف تاکید دارد و زمینه‌های گفتگو، رایزنی، شفاف‌سازی و ایجاد اعتماد را در رابطه با کارکردها و چارچوب‌های برنامه نظامی کشور فراهم می‌سازد و به تأسیس سازوکارهای بررسی مشترک و تفاهم درباره شیوه‌های اجرای تعهدات بین‌المللی مرتبط با آن به شکل دو و چندجانبه خواهد انجامید. رایزنی و تفاهم از سازوکارهای پیش‌بینی‌شده در معاهده‌های بین‌المللی ناظر بر سلاح‌های کشتار جمعی بوده است و این فرصت برای ایران وجود دارد تا ضمن ایجاد کارگروه‌های مشترک دو و چندجانبه هم در داخل و هم در خارج از سازمان‌ها و ترتیبات بین‌المللی، از دیپلماسی و گفتگو برای مقابله با ایران‌هراسی و هم‌چنین ارتقای ظرفیت‌های همکاری بین‌المللی دفاعی - امنیتی بیشترین بهره را به عمل آورد.

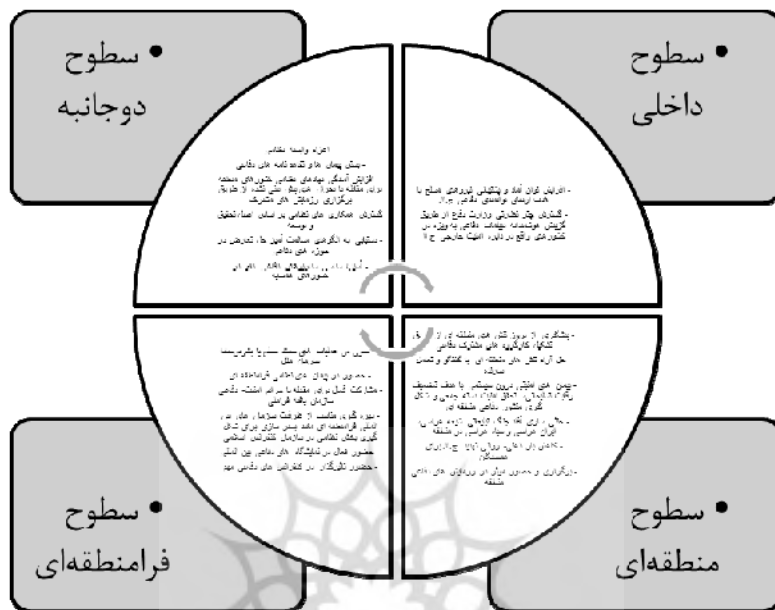
پیش زمینه ی سیاست تنش زدایی، تشنج زدایی است. تنش زدایی و تشنج زدایی پیشینه ی عمیق در سیاست بین الملل دارند و دستگاه دیپلماسی موفق می تواند این سیاست را در شرایط سخت و بحرانی پیش برد چنان که پس از جنگ جهانی دوم، اروپا و امریکا با موفقیت این سیاست را بارها در حوزه ی عملیاتی غرب اجرا کردند. هنری کسینجر، نظریه پرداز روابط بین الملل و وزیر خارجه پیشین امریکا، عنصر «چانه زنی ضمنی (خاموش)» را عامل موفقیت در تشنج زدایی عنوان می کند (کسینجر، ۱۳۷۹: ۶۲۲ و ۴۸۹).

وزارت خارجه ایران کوشیده است تنش زدایی را به عنوان سیاستی جهت دور کردن بحران از مرزهای کشور در قالب سیاست خارجی تدافعی یا تهاجمی بکار گیرد. (قاسم زاده، بی تا)

سیاست تنش زدایی در منطقه با لحاظ کردن عامل «بازدارندگی اعتماد ساز» در عین حال با هدایت ظرفیت های دیپلماسی سیاسی و دفاعی - امنیتی در خدمت دفاع ملی می تواند زمینه ی جذب فناوری های دفاعی - امنیتی را فراهم آورد. دیپلماسی دفاعی - امنیتی بخشی از قدرت ملی است که در کنار سیاست خارجی، منابع اعمال قدرت برای بالا بردن ظرفیت اقدام یک کشور را تشکیل می دهد. مسایل و عرصه های دیپلماسی دفاعی - امنیتی به ویژه خلع سلاح و واپایش (کنترل) تسلیحاتی، دارای روابط متقابل و برهم کنش با سیاست خارجی بوده، حساسیت و اهمیت به کارگیری فنون دیپلماسی دفاعی - امنیتی در مدیریت راهبردی کشور را جلوه گر می سازند (هدایتی، ۱۳۹۰: ۵۱۱). برای جمهوری اسلامی ایران که از جمله بازی گران پیش رو در حمایت از هنجارهای برابر و جهان شمول است، خلع سلاح های کشتار جمعی و کنترل تسلیحات از محورهای مورد تأکید در راستای تحقق هدف ها و کارویژه های دیپلماسی دفاعی - امنیتی به شمار می آید، به گونه ای که حضور و نقش فعال در نهادهای تاثیرگذار بر این فرایند و دفاع از حقوق کشورهای در حال توسعه، استقرار نظام برابر و جهان شمول خلع سلاح بر پایه مذاکره و تفاهم، در اسناد

راهبردی ملی و مواضع مقامات عالی کشور، همواره مورد تأکید قرار داشته است (ساعد، ۱۳۸۹: ۱۱۲-۱۱۴).

یکی از کارویژه‌های دیپلمات‌های دفاعی در چارچوب تولید امنیت نرم، طراحی نقشه راه مناسب برای اعتمادسازی و تضعیف ذهنیت پتانسیل تهدید در میان بازی‌گران منطقه‌ای با هدف کم‌رنگ‌سازی نیاز روانی آنان برای ائتلاف با قدرت‌های فرامنطقه‌ای است. در همین چارچوب، یکی از مهم‌ترین اهداف دیپلماسی عمومی ایالات متحده، ایجاد رعب در کشورهای عرب منطقه نسبت به دستاوردهای صنایع هوا-فضای وزارت دفاع یا تهدیدسازی مجازی از «جغرافیای سیاسی هلال شیعہ» به منظور بسترسازی برای حضور نظامی در لایه‌های امنیتی-دفاعی خاورمیانه یا تسهیل فروش تجهیزات نظامی است. در برابر، دیپلمات‌های دفاعی جمهوری اسلامی ایران با شفاف‌سازی ماهیت و اهداف دستاوردهای موشکی-فضایی می‌توانند ذهنیت تهدید تهران برای کشورهای همسایه را کاهش دهند و تا حدود زیادی از انفعال کشورهای منطقه در برابر آماج تهدیدهای نرم ایران‌هراسی و به صورت غیر مستقیم شیعه‌هراسی جلوگیری کنند (دلاورپور، اقدام و فردی پور، ۱۳۸۹: ۷).



نمودار شماره (۳): ابعاد دیپلماسی دفاعی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر راهبرد منطقه‌گرایی در

سیاست خارجی. منبع: دلاورپور اقدم و فردی پور، ۱۳۸۹: ۲۸.

ابعاد دیپلماسی دفاعی - امنیتی فناوریانه جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر راهبرد

منطقه‌گرایی در سیاست خارجی را چنین می‌توان برشمرد:

پژشکده ملی علوم انسانی

الف - سطوح داخلی

- افزایش توان آماد و پشتیبانی نیروهای مسلح با هدف ارتقای توانمندی دفاعی جمهوری اسلامی ایران؛
- گسترش چتر نظارتی وزارت دفاع از طریق گزینش هوشمندانه ی دیپلمات دفاعی به ویژه در کشورهای واقع در دایره ی امنیت خارجی جمهوری اسلامی ایران.

ب- سطوح دوجانبه

- اعزام وابسته ی نظامی؛
- بستن پیمان‌ها و تفاهم نامه‌های دفاعی؛
- افزایش آمادگی نهادهای نظامی کشورهای منطقه برای مقابله با بحران‌های پیش‌بینی نشده از طریق برگزاری رزمایش‌های مشترک؛
- گسترش همکاری‌های نظامی بر اساس اصل تحقیق و توسعه؛
- دستیابی به الگوهای مسالمت‌آمیز حل تعارض در حوزه‌های دفاعی؛
- آسیب‌شناسی سناریوهای دفاعی ناتو در کشورهای همسایه.

ج- سطوح منطقه‌ای

- پیشگیری از بروز تنش‌های منطقه‌ای از طریق تشکیل کارگروه‌های مشترک دفاعی به ویژه با هدف برخورد با کارشکنی‌های نیروهای بیرون از منطقه مانند رژیم صهیونیستی؛
- حل آرام تنش‌های منطقه‌ای با گفتگو و تعامل سازنده؛
- پیمان‌های امنیتی درون‌سیستمی با هدف تضعیف رقابت تسلیحاتی، تحقق امنیت دسته‌جمعی و شکل‌گیری منشور دفاعی منطقه‌ای؛
- خنثی‌سازی آفند جنگ تبلیغاتی شیعه‌هراسی، ایران‌هراسی و سپاه‌هراسی در منطقه؛
- کاهش بار ذهنی- روانی تهدید جمهوری اسلامی ایران برای همسایگان؛
- برگزاری و حضور موثر در رزمایش‌های دفاعی منطقه.

د- سطوح فرامنطقه‌ای

- حضور در عملیات‌های حفظ صلح یا بشردوستانه سازمان ملل؛
- حضور در پیمان‌های نظامی فرامنطقه‌ای؛
- مشارکت فعال برای مقابله با جرایم امنیت- دفاعی سازمان یافته فراملی؛

- بهره‌گیری مناسب از ظرفیت سازمان‌های بین‌المللی فرمانطقه‌ای مانند بسترسازی برای شکل‌گیری بخش نظامی در سازمان کنفرانس اسلامی؛
- حضور فعال در نمایشگاه‌های دفاعی بین‌المللی؛
- حضور تأثیرگذار در کنفرانس‌های دفاعی مهم.

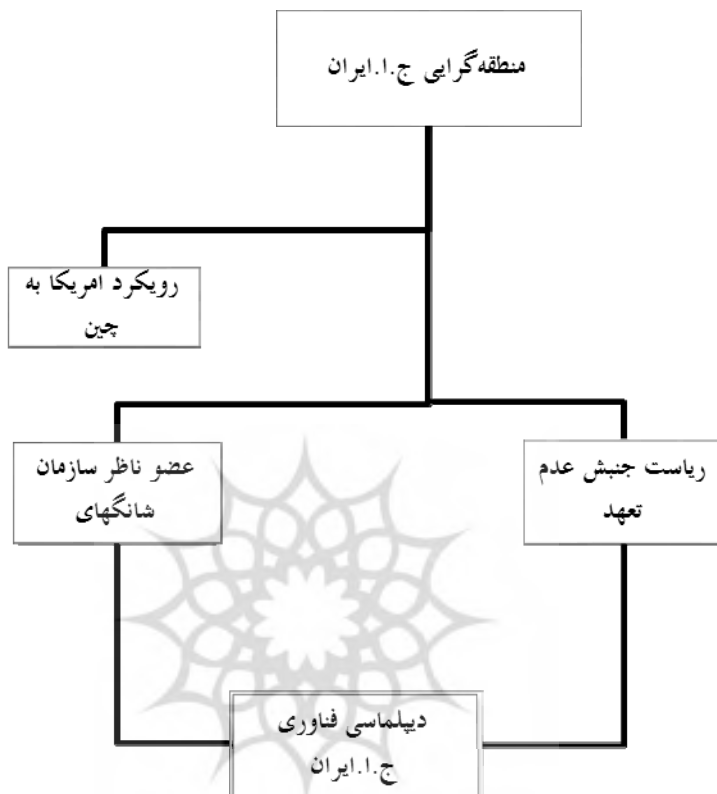
سطح و نوع تعارض با سایر بازی‌گران نیز در تنظیم سیاست دفاعی حائز اهمیت است. جمهوری اسلامی ایران با دو سطح از بازی‌گران در منطقه مواجه است. دسته‌ای بازی‌گران هم تراز مانند ترکیه، پاکستان و عراق هستند که سطح تعارض با آن‌ها متقارن و نوع تعارض، متعارف برآورد می‌شود. سیاست دفاعی در امور این دسته از بازی‌گران، آمادگی دفاعی مناسب از نوع متعارف را ایجاد می‌کند. لکن تأکید سیاست دفاعی درباره‌ی این‌گونه کشورها باید بر تنش‌زدایی و توسعه‌ی پیوندهای اقتصادی، فرهنگی و نظامی و همکاری در جهت ایجاد و تقویت مفهوم امنیت جمعی مبتنی باشد. کمک به حل مسائل ژئوپلیتیکی کشورهای همسایه مانند عراق، ترکمنستان و آذربایجان در دسترسی به آب‌های آزاد و تسهیل ارتباط آن‌ها با دنیا، مسلماً تأثیر تعیین‌کننده در از میان بردن زمینه‌ی تعارض خواهد داشت ضمن این که منافع اقتصادی نیز با استفاده از امتیاز ترانزیت کالا و خدمات به همراه دارد.

سطح دیگری از بازی‌گران مانند کشورهای حاشیه خلیج فارس که در زیر سطح هم تراز قرار دارند، به تنهایی تهدید به شمار نمی‌آیند و همکاری آن‌ها با قدرت‌های فرمانطقه‌ای امکان ایجاد تهدید امنیتی برای کشورمان را پدید می‌آورد. سیاست دفاعی مناسب ایران در این حوزه، تولید امنیت و تضمین آن از طریق حمایت‌گری از موضع اقتدار و تأکید بر ترتیبات امنیتی بومی و منطقه‌ای و پرهیز از هر نوع اقدام تهدید آمیزی است که موجب هدایت آن‌ها به طرف دشمنان فرمانطقه‌ای شود.

بالاخره سطح بازی گران ناهم تراز که هم اینک ایالات متحده امریکا به عنوان مصداق بارز آن در منطقه حضور دارد و جمهوری اسلامی ایران را نیز در کانون جهت‌گیری راهبرد دفاعی خود قرار داده و با سازماندهی اقدامات گسترده سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ایجاد جنگ گسترده روانی و تبلیغاتی در حال آماده‌سازی محیط بین‌المللی و افکار عمومی جهانی برای مشروعیت بخشیدن به اقدام نظامی علیه ایران است. طبیعی است که تهدید ناهم تراز ایالات متحده در رأس سیاست دفاعی کشورمان قرار دارد (زه‌دی، ۱۳۸۶: ۲۱).

دیپلماسی فناوری با روی کرد منطقه‌ای

در صورتی که دیپلماسی فناوری جمهوری اسلامی ایران متوجه سازمان‌های منطقه‌ای شود و در پیمان‌های امنیتی و دفاعی و فناورانه سیاسی - بین‌المللی و نیز اقتصادی وارد شود، در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به عنوان عضو فعال شرکت یا به عنوان ناظر عمل کند؛ فضاهای جذب فناوری‌های دفاعی - امنیتی، قراردادهای، قرار گرفتن در پیمان‌ها، به دست آوردن اطلاعات امنیتی مهم، معامله تسلیحات و... افزایش می‌یابد.



نمودار شماره (۴): دیپلماسی فناوری جمهوری اسلامی ایران با رویکرد منطقه‌گرایی.

دیپلماسی فناوری جمهوری اسلامی ایران با رویکرد منطقه‌گرایی بر اساس حضور در ترتیبات دفاعی- امنیتی منطقه‌ای و نظام‌های دانش و فناوری نظامی یا دو منظوره می‌تواند این امکان را برای کشور فراهم کند تا از فضاهای موجود برای جذب و صدور فناوری‌های مربوط بهره‌برد. سازمان همکاری شانگهای^۱ شاید مهم‌ترین سازمان منطقه‌ای باشد که امکان فعال شدن جمهوری اسلامی ایران در آن وجود دارد. این سازمان که دارای

دو وجه اقتصادی و امنیتی - نظامی است و در آن کشورهای آسیایی که قدرت منطقه‌ای به شمار می‌آیند، به ویژه چین، روسیه و قزاقستان عضو هستند. هم چنین اعضای ناظر آن نیز قدرت‌های دیگر منطقه‌ای شامل هندوستان، پاکستان و ایران می‌باشند که خود عضو جنبش عدم تعهد نیز هستند. بدین روی، قدرت‌های نظامی - امنیتی آسیای غیر عربی عملاً در سازمان همکاری شانگهای عضو هستند که بخش عمده تجارت فناوری آسیا نیز در حوزه آنان انجام می‌پذیرد (هدایتی، ۱۳۹۰: ۵۵۰). روی کرد منطقه‌ای در جذب و صدور فناوری‌های دفاعی - امنیتی و فراهم آوردن بنیان‌های اقتصادی جهت حضور در این ساختارها به صورت پیچیده‌ای باید برنامه ریزی و مدیریت شود.

نتیجه‌گیری

دیپلماسی فناوری جمهوری اسلامی ایران در حوزه‌های دفاعی - امنیتی با تکیه بر سیاست خارجی کلان و خرد و فضای دیپلماسی دفاعی - امنیتی قابل ترسیم و تحول است. یعنی بر اساس دیپلماسی دفاعی - امنیتی ترسیمی، کلیات و جزئیات فناوری‌های مورد نیاز و روش راهبردی حصول آن‌ها تدوین و با مراجعه به برنامه دراز مدت، میان مدت و کوتاه مدت سیاست خارجی، دیپلماسی فناوری تهیه می‌شود. روند دیپلماسی مورد نظر، برای این که در قالب خوب و چارچوب عملیاتی موفقی قرار گیرد، باید بر جهت‌گیری‌های وزارت خانه‌ای و به ویژه مبنای دسته‌بندی‌های منطقه‌ای و حلقه‌های امنیتی و سیاست‌های تنش‌زدایی (و قالب‌های آن در دیپلماسی تجاری، عمومی و فرهنگی) و ترسیم عمق راهبردی و ژئواستراتژی جمهوری اسلامی ایران مبتنی باشد. بدین سان از مناطق پیرامونی به صورت حلقه‌های تودرتو برای پوشش و هم پوشانی اهداف دفاعی - امنیتی به صورت سلسله مراتبی استفاده می‌شود. همکاران امنیتی جمهوری اسلامی ایران در کشورهای پاکستان، ترکیه و روسیه و همکاران دفاعی در چین، پاکستان و روسیه هستند که بایستی با

حضور فعال ایران در سازمان‌های منطقه‌ای و پیمان‌های دسته‌جمعی، زمینه و امکان تعامل فناورانه در حوزه‌های دفاعی-امنیتی میان آن‌ها و ایران پدید آید.

دیپلماسی فناوری با تکیه بر دو عنصر دیپلماسی سیاسی و دیپلماسی امنیتی-دفاعی قادر است با استفاده از ظرفیت‌های سیاست خارجی ترکیبی که روبنای آن تعامل با نظام بین‌الملل، تنش‌زدایی، موازنه مثبت و اعتمادسازی است، زمینه‌های ورود و صدور فناوری را فراهم آورد. هم‌چنین دیپلماسی دفاعی-امنیتی، قابلیت واپایش بحران‌های منطقه‌ای را دارد. اگر زمینه‌های بروز منازعه شکل گرفته باشد، دیپلماسی دفاعی می‌تواند با «میانجی‌گری» مانع از وقوع آن شود. تحرکات دیپلماتیک مانند سفرهای نمایندگان دستگاه‌های دیپلماتیک، دیدار مقام‌های رسمی کشور با بازی‌گران درگیر منازعه، تعامل با نهادهای بین‌المللی از راهکارهای پیشنهادی در این زمینه است. دیپلماسی دفاعی-امنیتی، ابزاری برای ظرفیت‌های حمایت از صلح است. براین اساس حفظ امنیت نظام و بازدارندگی فعال حاصل همکاری‌های دو نهاد سیاست خارجی و نیروهای نظامی-امنیتی است. این دو به ویژه در قالب وزارت خانه‌های اطلاعات، خارجه و دفاع و ستاد کل نیروهای مسلح و با همکاری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری قادرند نظام فناوری‌های دفاعی-امنیتی مورد نیاز جمهوری اسلامی ایران و راهکارهای رسیدن به آن را ترسیم کنند. این امر به قدرت‌سازی و واپایش محیط راهبردی منجر می‌شود.

دسته‌بندی سیاست‌های فناوری دفاعی-امنیتی و پیشبرد آن بر اساس دسته‌بندی‌های منطقه‌ای، گروهی و پیمان‌های جمعی، اعلام نکردن همه‌ی اصول و مبانی به صورت عام و در همه مناطق، هدایت هر یک از اولویت‌ها و نیازها به سمت منطقه‌ی هدف و برنامه‌ریزی کوتاه مدت و میان مدت مبتنی بر چشم‌اندازهای بلند مدت ملی و وزارت خانه‌ای (دفاع، اطلاعات، امور خارجه) از لازمه‌های رسیدن به این نظام جامع است.

منابع

- ازغندی، علیرضا و جلیل روشندل (۱۳۸۰)، مسائل نظامی و استراتژیک معاصر، تهران، سمت.
- امیری، مهدی (۱۳۸۵)، قدرت نرم، فناوری نرم و تاثیرات آن در بخش دفاع، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- امینی، آرمین، سهراب انعامی علمداری (۱۳۸۸)، «دیپلماسی و اقتصاد: الگوی مناسبات جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا ۸۴-۱۳۷۶»، علوم سیاسی، پاییز، شماره ۸.
- بوزان، باری، اولی ویور و پاپ دو ویلد (۱۳۹۲)، چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت، ترجمه علیرضا طیب. پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- توفیقی، جعفر، نسرین نورشاهی، مقصود فراستخواه (۱۳۹۱)، «واکاوی رابطه‌ی دو نظام دفاعی و آموزش عالی از دیدگاه خبرگان دو حوزه»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال دهم، شماره ۳۶، بهار.
- حافظ نیا، محمدرضا و دیگران، (۱۳۹۱)، «تبیین الگوی فضایی و نقشه قلمروهای ژئوپلیتیکی ج.ا.ا»، راهبرد دفاعی، سال ۱۰، ش ۳۹، پاییز.
- حافظ نیا، محمدرضا و سیدهادی زرقانی (۱۳۸۵)، «طراحی مدل سنجش قدرت کشورها»، فصلنامه‌ی ژئوپلیتیک، سال ۲، شماره ۲، تابستان.
- حسینی، حسین (۱۳۷۶)، «مسائل اساسی تکنولوژی دفاعی در جهان سوم»، سیاست دفاعی، شماره ۲۱-۲۰، زمستان.
- داداندیش، پروین، افسانه احدی (۱۳۹۰)، «جایگاه دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه‌ی روابط خارجی، سال سوم، شماره اول، بهار.

دعا (۱۳۸۸)، فناوری و قدرت ملی (چالش‌ها و راهبردها)، تهران، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.

دلاورپور اقدم، مصطفی و سعید فردی‌پور (۱۳۸۹)، «بررسی دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران از منظر امنیت نرم»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، گزارش راهبردی.

دورتمانتز، پیتر، نویل کورتیس (۱۳۸۷)، ارزیابی تأثیرات فناوری بر امور دفاعی، ترجمه‌ی وحیده علی‌پور و محمد باشکوه، تهران، «مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی»، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.

زرقانی، سیدهادی (۱۳۸۷)، «تحلیل و ارزیابی متغیرها و شاخص‌های قدرت نظامی»، فصلنامه‌ی راهبرد دفاعی، شماره ۲۳، زمستان.

زرقانی، سید هادی (۱۳۹۱)، «سنجش و رتبه‌بندی قدرت ملی کشورها در جهان اسلام»، فصلنامه مطالعات جهان اسلام، دوره ۱، شماره ۲، تابستان.

زهدی، یعقوب (۱۳۸۶)، «مقایسه سیاست دفاعی با راهبرد دفاعی و دکترین با نگاهی به عوامل موثر در تدوین سیاست دفاع جمهوری اسلامی ایران»، راهبرد دفاعی، سال ۵، ش ۱۷، پاییز.

ساعد، نادر (۱۳۸۹)، «دیپلماسی خلع سلاح در پرتو الزام‌های دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران»، راهبرد دفاعی، سال ۸، شماره ۳۰، پاییز.

سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی.

شبکه تحلیل‌گران تکنولوژی ایران (ایتان) (۱۳۹۰)، «بررسی مفهومی دیپلماسی علم و فناوری و ترسیم وضع موجود آن در جمهوری اسلامی ایران»، طرح پژوهشی دفتر سیاستگذاری علم و فناوری معاونت علمی و فناوری رییس‌جمهور.

عسگری، محمود و حسن سعیدکلاهی (۱۳۹۱)، «گفتمان دیپلماسی دفاعی در اسلام و مقایسه آن با جمهوری اسلامی ایران»، *اطلاعات راهبردی*، سال ۱۰، ش ۱۱۱، مرداد و شهریور.

قاسم زاده، قاسم (بی تا)، سیاست تنش زدایی و تجدید روابط سیاسی ایران و مصر، *مطالعات افریقا*.

قاضی زاده، علیرضا، (۱۳۹۰)، «فناوری و قدرت اطلاعاتی: از افزایش شناخت تا ارتقای توان کنترل»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال پانزدهم، شماره دوم، تابستان.

قانون برنامه پنج ساله توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰).
کاظمی، علی‌اصغر (۱۳۷۳)، نقش قدرت در جامعه و روابط بین‌الملل، تهران، نشر قومس.
کسینجر، هنری (۱۳۷۹)، دیپلماسی، ترجمه فاطمه سلطانی یکتا و علیرضا امینی، تهران، اطلاعات.

کلهر، رضا (۱۳۸۳)، «راهبرد جنگ نامتقارن»، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال دوم، شماره چهارم، تابستان.

گاردن، تیموتی (۱۳۷۷)، «فناوری و نظامی‌گری»، ترجمه‌ی حسین حسینی، تهران: پژوهشکده علوم دفاعی.

له له، اجی (۱۳۹۱)، فناوری‌های راهبردی نظامی، ترجمه م. شاهرضایی و م. اورنگ. تهران، موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.

ملکی‌فر، عقیل و همکاران (۱۳۸۲) فن‌بازار؛ رویکردی نو به تجارت فناوری و بازارسازی برای دستاوردهای پژوهشی، نشر آیه.

نقشه‌ی جامع علمی کشور.

نورمحمدی، مرتضی (۱۳۹۰)، گسترش فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و تحول امنیت، تهران، میزان، ۱۳۹۰.

هدایتی، محمدرضا (۱۳۹۰)، مناسبات و همکاری‌های بین‌المللی با تاکید بر مسائل نظامی و امنیتی، تهران، دانشگاه جامع امام حسین (ع).
یادبروقی و دیگران (۱۳۸۷)، طراحی الگوی تدوین راهبرد فناوری دفاعی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دانشگاه صنعتی مالک اشتر.

Karami, J. (2013), SCO, Paris.

Hosseyini, S. M. (2013), *Pakistan and SCO*, Paris.

